

بررسی علل و عوامل موثر بر رواج کودک همسری و تاثیر آن بر تحصیلات دختران در نواحی روستایی

زهرا سهرابی

دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

چکیده

کودک همسری به عنوان یکی از چالش های جدی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در بسیاری از مناطق روستایی ایران شناخته می شود که پیامدهای منفی متعددی بر زندگی فردی و اجتماعی دختران برجای می گذارد. این پژوهش با تمرکز بر روستای قزلکن در شهرستان چناران، به بررسی علل و عوامل موثر بر گسترش این پدیده و تاثیر آن بر تحصیلات دختران می پردازد. روش تحقیق ترکیبی از روش های کیفی و کمی بوده و شامل مصاحبه های نیمه ساختاریافته با دختران، والدین و معلمان، توزیع پرسش نامه و بررسی اسناد و آمار مرتبط است. یافته ها نشان می دهد که عوامل متعددی از جمله فقر اقتصادی، نگرانی از حفظ آبرو، فشارهای اجتماعی، باورهای سنتی و کمبود آگاهی عمومی در رواج کودک همسری نقش دارند.

واژه های کلیدی: کودک همسری، تحصیل دختران، طلاق، نابرابری جنسیتی، مردسالاری، علل و پیامد های کودک همسری

مقدمه

پدیده کودک‌همسری یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی در بسیاری از جوامع در حال توسعه است که با تبعات گسترده‌ای برای دختران، خانواده‌ها و جامعه همراه است. این پدیده که به ازدواج افراد زیر ۱۸ سال اشاره دارد، بر اساس تعاریف سازمان ملل متحد، نوعی نقض حقوق کودک و حقوق انسانی محسوب می‌شود (یونیسف، ۲۰۱۸). کودک‌همسری معمولاً نتیجه ترکیبی از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی است و در جوامع روستایی و کم‌برخوردار نسبت به جوامع شهری رواج بیشتری دارد. در ایران، با وجود قوانین محدودکننده، این پدیده همچنان در برخی مناطق روستایی مانند روستای قزلکن در شهرستان چناران مشاهده می‌شود و تأثیرات منفی زیادی بر تحصیلات دختران بر جای می‌گذارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر رواج کودک‌همسری، فقر اقتصادی است. در بسیاری از مناطق روستایی، خانواده‌ها به دلیل فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های مالی، دختران خود را در سنین پایین ازدواج می‌دهند تا بار مالی خانواده کاهش یابد. این امر به‌ویژه در خانواده‌های پرجمعیت که توانایی حمایت از همه اعضای خانواده را ندارند، شایع‌تر است (فرهادی و موسوی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، نگرانی‌های مرتبط با امنیت و حفظ "آبرو" در جوامع سنتی، خانواده‌ها را به سمت ازدواج زودهنگام دختران سوق می‌دهد. این باور که دختران باید پیش از رسیدن به سن بلوغ اجتماعی ازدواج کنند، برای بسیاری از خانواده‌ها به‌عنوان یک مسئولیت اخلاقی یا فرهنگی تلقی می‌شود (جهانی و کریمی، ۱۳۹۸). علاوه بر این، کمبود دسترسی به آموزش و نبود زیرساخت‌های آموزشی مناسب نیز نقش مهمی در رواج کودک‌همسری دارد. در روستاهایی مانند قزلکن، مدارس اغلب تا سطوح ابتدایی یا راهنمایی فعالیت دارند و برای ادامه تحصیل، دانش‌آموزان باید به شهرهای نزدیک سفر کنند. این امر، با توجه به نگرانی‌های امنیتی و مالی، باعث می‌شود بسیاری از دختران از تحصیل محروم شوند و ازدواج زودهنگام به‌عنوان گزینه‌ای قابل قبول تلقی گردد (امیری و شریفی، ۱۳۹۷). کودک‌همسری نه تنها دسترسی دختران به تحصیلات را محدود می‌کند، بلکه کیفیت زندگی آنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. ازدواج در سنین پایین معمولاً با مسئولیت‌های خانوادگی و فرزندآوری زودهنگام همراه است که زمان و انرژی لازم برای ادامه تحصیل را از دختران سلب می‌کند. تحقیقات نشان داده است که کودک‌همسری رابطه مستقیمی با ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی دارد، به‌گونه‌ای که درصد قابل‌توجهی از دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، قادر به تکمیل تحصیلات خود نیستند (اسمیت و براون، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، کودک‌همسری بر اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس دختران نیز تأثیر منفی دارد. این دختران معمولاً فرصت کافی برای رشد فردی و اجتماعی پیدا نمی‌کنند و در سنین پایین وارد روابطی می‌شوند که ممکن است از لحاظ روانی و عاطفی برای آنان آسیب‌زا باشد. فقدان تحصیلات مناسب و محدودیت‌های ناشی از ازدواج زودهنگام، توانایی آنان را برای دستیابی به استقلال اقتصادی و مشارکت در توسعه اجتماعی کاهش می‌دهد (کریم‌پور و رضایی، ۱۴۰۱). مطالعه پدیده کودک‌همسری و تأثیر آن بر تحصیلات دختران از این جهت حائز اهمیت است که به شناخت بهتر از عوامل موثر بر این پدیده و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن کمک می‌کند. در روستاهایی مانند قزلکن، کودک‌همسری نه تنها پیامدهای فردی بلکه پیامدهای گسترده‌تری برای توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد. کاهش نرخ کودک‌همسری و افزایش دسترسی به تحصیلات، می‌تواند به توانمندسازی دختران و بهبود شرایط زندگی آنان منجر شود. این امر همچنین به شکستن چرخه فقر و نابرابری در این مناطق کمک خواهد کرد (یونیسف، ۲۰۱۸). این تحقیق با استفاده از نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی، به بررسی نقش عوامل مختلف در رواج کودک‌همسری می‌پردازد. نظریه ساختارگرایی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی موجود، رفتارهای فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این منظر، کودک‌همسری نه تنها یک انتخاب فردی بلکه نتیجه‌ای از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی غالب در مناطق روستایی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

ادبیات تحقیق

در این قسمت به بیان کلمات کلیدی تحقیق در زمینه کودک همسری، عوامل موثر بر کودک همسری، پیامد های کودک همسری و انواع تعاریف ارائه شده از سوی صاحب نظران، در این زمینه پرداخته شده است. همچنین کودک همسری از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

کودک همسری: ازدواج کودکان یا کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیر رسمی است که در آن فرد قبل از رسیدن به هجده سالگی یا حتی قبل از رسیدن به سن بلوغ وارد پیمان زناشویی میشود. کودک همسری هم در مورد کودکان دختر و هم کودکان پسر به کار میرود که با مردان و زنان بزرگسال یا به اجبار حاصل از سنت های قومی یا مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده ازدواج می کنند. با توجه به این که نکاح دختران قبل از ۱۵ سال تمام و پسران قبل از ۱۸ سال تمام در قانون مورد توجه قرار گرفته است. در عرف جامعه مسلمانان به کودک همسری مشهور و معروف شده است. (میرشاه، ۱۴۰۱). اجمال و ابهام قانون در خصوص ازدواج کودکان، سن ازدواج و مصلحت در ازدواج کودکان با قابلیت موجود در رویه قضایی و نقش قضات در تطبیق مصادیق برطرف می شود و با اصلاح این ضعف قانونی، حمایت از کودکان در برابر ازدواج های زود هنگام تضمین می گردد. در کارکرد دوم رویه ی قضایی به مثابه ابزاری در جهت منطبق نمودن قانون با نیاز های اجتماعی عمل می کند. (میرشاه به نقل از اعتدال، ۱۳۸۹)

تحصیل دختران: بازماندن از تحصیلات پیامد دیگر ازدواج کودکان است، اکثر دختران پس از ازدواج اقدام به ترک تحصیل می کنند. در تحقیقی که در خصوص تاثیر ازدواج زودهنگام بر ترک تحصیل زنان جوان ایرانی صورت گرفته بود نشان داد که ۵۶ درصد از زنان متأهل بین ۱۰ تا ۱۹ سال، علت ترک تحصیل خود را ازدواج بیان کرده اند. تحصیلات از آن جهت مهم است که آموزش هایی هر چند ناقص در خصوص زندگی و کسب مهارت به افراد منتقل می کند و از طرفی داشتن تحصیلات می تواند به عنوان یک نقطه ی قوت و پشتوانه برای کودک محسوب گردد. آموزش نقش محوری در بالندگی و ارتقای بینش و آگاهی کودکان دارد، اما متأسفانه پدیده ازدواج زودرس عمل شایع و موثری در محرومیت از تحصیل و آموزش به شمار می رود. بی تردید آموزش مطلوب، به رشد دانش و مهارت ها، توانایی در تصمیم گیری، داشتن قدرت و اعتماد به نفس، لذت بردن از ارتباطات مثبت و سالم و در نهایت یک انتخاب آگاهانه در مورد بهداشت و رفاه در زندگی کمک می کند، تحقیقات نشان می دهند، مادرانی که ازدواج زودرس داشته اند، کمتر قادرند کودک شان را حمایت کنند به دلیل اینکه سطح تحصیل پایینی دارند که به تبع کودکان شان نیز زودتر از حد معمول ازدواج می کنند. آنچه به خوبی مشهود است این که میان ازدواج زودرس و تحصیلات پایینیک ارتباط بینابین وجود دارد، به گونه ای که پس از ازدواج دسترسی دختران به آموزش رسمی و غیر رسمی به دلیل مسوولیت خانوادگی، زایمان و نگهداری کودک محدود می شود. از دیگر سو مطابق بیشتر فرهنگها والدینی که دختران شان با ازدواج خانه را ترک می کنند، تمایلی به سرمایه گذاری برای فرزندشان نشان نمی دهند، زیرا منافع سرمایه گذاری شان از دست خواهد رفت. بر این اساس شایان ذکر است که پیشرفت هر جامعه ای از جنبه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به تربیت و آموزش افراد آن جامعه از دوران کودکی به ویژه از سنین پایین، بستگی دارد، ولی ترک تحصیل کودکان نیز اگر در پی ازدواج زود هنگام باشد، آنان را از ویژگی های شخصیتی ای که به رشدشان و در نتیجه به رشد جامعه کمک کند، باز می دارد. همچنین این کاستی ها باعث تحمیل هزینه های سنگین، به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره وری درآمد و بهبود کیفیت زندگی می شود. (میرشاه، ۱۴۰۰). کمبود وسایل نقلیه برای رفتن به مدرسه در شهر از دیگر موانع تحصیل دختران روستایی است. در روستاهای مورد مطالعه دختران به دلیل نداشتن مدرسه در منطقه روستایی یا نبود راه ارتباطی مناسب برای رفت و آمد امن به نواحی شهری برای تحصیل در مدارس از ادامه تحصیل صرف نظر کردند. این ترک تحصیل به خواست خودشان یا با اجبار از طرف والدین آنها بوده است. (عنبری و همکاران، ۱۴۰۱)

نابرابری جنسیتی: نابرابری جنسیتی عملی است که بر اساس جنسیت افراد، به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه بندی آنان می پردازد. (برخوردار و همکاران به نقل از صداقتی فرد و همکاران ۱۳۹۸) به عبارت دقیق تر هر گونه رفتار، زبان، سیاست یا سایر کنش هایی که نشان دهند دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرو

دست باشد، معنای نابرابری جنسیتی می دهد. (برخوردار و همکاران به نقل از گروسی، ۱۳۸۴) رویکرد ها به موضوع نابرابری جنسیتی در چهار دیدگاه کلی فمینیستی دسته بندی می شود. بر اساس رویکرد نخست، زنان در مقایسه با مردان در جایگاه های اجتماعی متفاوت جای دارند، همچنین از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت های تحقق کمتری برخوردارند. بر اساس رویکرد دوم، نابرابری جنسیتی از سازمان جامعه سر چشمه میگیرد و ارتباطی با تفاوت های مهم زیست شناختی یا شخصیتی میان آن ها ندارد. بر اساس رویکرد سوم، نابرابری جنسیتی از آنجا ناشی می شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردار ند، در حالی که هر دو در این نیاز سهیم هستند. بر اساس رویکرد چهارم فرض بر این است که هم مردان و هم زنان می توانند در برابر ساختار ها و موقعیت های برابرانه تر، واکنشی آسان و طبیعی نشان دهند، به عبارت دیگر، آن ها معتقدند که تغییر موقعیت زنان میسر است. (برخوردار و همکاران به نقل از ریتزر، ۱۳۸۲)

مرد سالاری: در خانواده مرد سالار، اساس مدیریت و رهبری بر عهده ی یک یا چند مرد است. جنس مذکر به عنوان سرپرست و تصمیم گیرنده است. (جلالی و همکاران، ۱۴۰۱) یکی از اشکال زنانگی، زنانگی مؤکد است. این زنانگی تابع منافع و امیال مردان است و مشخصه آن فرمانبرداری و تابعیت است. (سلحشور و همکاران به نقل از گیدنز، ۱۴۰۱) در جوامع و فرهنگ های مرد سالار، مردان نسبت به زنان، سهم بیشتری از ثروت و منزلت اجتماعی دارند. در میدان مورد مطالعه (شهر چابهار) که فرهنگ و الگو های سنتی در آن غالب هستند، مرد سالاری به منزله هنجاری اجتماعی و فرهنگی پذیرفته شده است. (سلحشور و همکاران، ۱۴۰۱). مردسالاری یا پدرسالاری (Patriarchy) به نظام اجتماعی و فرهنگی ای اطلاق می شود که در آن قدرت و تسلط عمدتاً در دست مردان است و آنان نقش غالب در تصمیم گیری های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند. این نظام بر پایه نابرابری جنسیتی استوار است و زنان در چنین جامعه ای معمولاً از لحاظ حقوق، فرصت ها و قدرت در موقعیت فرودست قرار می گیرند (والبی، ۱۹۹۰).

ویژگی های مردسالاری

۱. تمرکز قدرت در مردان: مردان در جوامع مردسالار اغلب در موقعیت های قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارند.
۲. تفکیک نقش های جنسیتی: مردسالاری معمولاً بر اساس نقش های تعریف شده جنسیتی عمل می کند، به طوری که وظایف خانه داری و مراقبت به زنان و نقش تأمین معیشت به مردان اختصاص داده می شود (اوکلی، ۱۹۷۴).
۳. کنترل زنان: در جوامع مردسالار، مردان اغلب کنترل بیشتری بر زندگی زنان دارند، از جمله تصمیم گیری درباره ازدواج، آموزش و اشتغال.

علل شکل گیری مردسالاری:

عوامل تاریخی و فرهنگی: مردسالاری ریشه های عمیقی در تاریخ و فرهنگ بسیاری از جوامع دارد. این نظام اغلب با توجیهات مذهبی و سنتی تقویت شده است (گیدنز، ۲۰۰۱).

ساختار اقتصادی: در جوامعی که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی یا صنایع سنگین بوده، قدرت فیزیکی اهمیت بیشتری داشته و نقش مردان برجسته تر شده است.

پیامدهای مردسالاری: مردسالاری می تواند تأثیرات منفی متعددی بر جامعه داشته باشد، از جمله:

۱. نابرابری جنسیتی: این نظام باعث محدود شدن فرصت های زنان و کاهش مشارکت آنان در حوزه های اجتماعی و اقتصادی می شود (کیمبل، ۲۰۱۳).
۲. خشونت علیه زنان: مردسالاری اغلب با اشکال مختلف خشونت، از جمله خشونت خانگی، ازدواج زودهنگام و تبعیض جنسیتی همراه است (یونیسف، ۲۰۲۰).

راه حل ها برای کاهش مردسالاری: برای مقابله با نظام مردسالاری، می توان اقداماتی نظیر آموزش و آگاهی بخشی، تغییر قوانین و سیاست های حمایتی از زنان و تقویت مشارکت آنان در جامعه را مد نظر قرار داد (والبی، ۱۹۹۰).

طلاق: یکی از پیامد های اساسی ازدواج در دوران کودکی، گسست زندگی زناشویی در همین دوران است. پدیده ای که می توان آن را کودک مطلقگی نام نهاد (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰). طلاق نیز آسیب دیگری است که نتیجه عدم رضایت از زندگی زناشویی است، از طرفی کودک بدون آنکه به بلوغ فکری برسد وارد زندگی متهلی شده و از طرفی در ایفای نقش ها و انجام مسئولیت های زندگی درمانده شده و توانایی اداره زندگی را از دست می دهد و در نهایت طالق را چاره ی کار می بیند. نتیجه ی طلاق گرفتن کودکان هم افزایش فقر میان زنان است. در حقیقت فقر که خود یکی از عوامل ازدواج زود هنگام بوده است اکنون به وسیله طلاق دوباره به فقر ختم می شود. (میرشاه به نقل از مقدادی و همکاران، ۱۴۰۱). طلاق به معنای خاتمه رسمی و قانونی ازدواج است که از طریق تصمیم دادگاه یا مراجع رسمی اجرا می شود. این فرآیند به زوجین اجازه می دهد زندگی مشترک خود را به پایان رسانده و حقوق و تعهدات متقابل ناشی از ازدواج را فسخ کنند (کوهان، ۲۰۰۱). طلاق می تواند به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا فردی رخ دهد و پیامدهای گوناگونی برای افراد و جامعه داشته باشد.

علل طلاق:

۱. **عوامل اجتماعی:** تغییرات در ارزش های خانوادگی، ضعف در ارتباطات بین زوجین، و افزایش استقلال اقتصادی زنان از عوامل اجتماعی موثر بر طلاق است (بک، ۱۹۹۲).

۲. **عوامل اقتصادی:** مشکلات مالی و ناتوانی در مدیریت منابع اقتصادی خانواده اغلب منجر به تعارض و طلاق می شود (آماتو و پریو، ۲۰۰۳).

۳. **عوامل فردی:** تفاوت های شخصیتی، خیانت زناشویی، و مشکلات روان شناختی می توانند در تصمیم به طلاق موثر باشند (وایت و بوث، ۱۹۹۱).

علل و پیامد های کودک همسری از دید صاحب نظران: نابرابری جنسیتی نیز در رواج کودک همسری سهم دارد. در بعد اقتصادی نابرابری به محدودیت در دستیابی به فرصت های شغلی و دارایی اشاره دارد. در بعد اجتماعی-فرهنگی کودک همسری نتیجه هنجارهای اجتماعی به هم پیوسته ای است که توانایی دختران برای انتخاب و دسترسی به منابع را محدود میکند و بر آنان در همه حوزه های زندگی از جمله نهادها، قوانین، کردارها و مشارکت، دسترسی به دارایی ها، باورها و ادراکات تأثیر می گذارد. در بسیاری از موارد سنتها و به تبع آن هنجارها نقش زنان و باید و نباید هایی را که میبایست به آن تن در دهند مشخص کرده اند. در برخی از اجتماعات این هنجارها سن و شیوه انتخاب همسر و یا ازدواج را تعیین میکنند. بر اساس این هنجارها بهترین سن برای ازدواج در سن پایین (کودکی) است و شیوه انتخاب همسر نیز توسط بزرگترها مانند والدین صورت می پذیرد. (مطلق و همکاران به نقل از احمدی، ۱۳۹۶) تحصیل در قالب بیسوادی و کم سوادی نیز منجر به کودک همسری میشود. زمانی که والدین و کودکان کم سواد یا بی سواد باشند درباره حقوق کودکان و پیامدهای آسیب زایی کودک همسری آگاهی ندارند. زمانی که به هر دلیلی کودک از تحصیل باز می ماند و یا ترک تحصیل میکند به نظر والدین و سایر ساکنان اجتماع گزینه ای دیگر برای او جز ازدواج وجود ندارد. (Mberia and Nur Said, ۲۰۱۶, ۳۸) از عوامل موثر در ترویج کودک همسری فقر، سطح تحصیلات پایین و بی سوادی، عدم حمایت قانونی، فشار های اجتماعی، انتظارات مردان و تحت کنترل کامل سنت قرار داشتن و باورهای مذهبی را میتوان نام برد. والدینی که قادر نیستند در هنگام ازدواج برای دختران خود جهیزیه سنگین آماده کنند، دختران خود را به عقد مردان مسن، معلول یا بیمار در می آورند تا آنها به جهیزیه کم رضایت دهند. احوال دلیل اصلی این رفتار، ریشه در فقر این گونه خانواده ها دارد و در نتیجه تمایل آنها به داشتن خانواده های بزرگ و همچنین ترجیح دادن فرزندان پسر بر دختر. احوال آنها ترجیح میدهند دختران را به عنوان یک نان خور اضافی شوهر بدهند. (چنانی و همکاران به نقل از احمدی، ۱۴۰۰) بر اساس پژوهش مریم سادات حسینی فر و اکبری (۱۳۹۸) در شهرستان اسفراین، فقر مالی و فقر فرهنگی بر ازدواج زود هنگام دختران تأثیر داشته و پیامد های ازدواج زود هنگام دانش آموزان دختر بر

ترک تحصیل آنان موثر بوده و بر دیگر دانش آموزان نیز تاثیر گذار است. (صیادیان و همکاران). در برخی موارد خانواده ها به دلیل نبودن امنیت و نیز ترس از دست رفتن آبرو و مزاحمت هایی که در مسیر مدرسه برای دخترشان اتفاق می افتاد، وی را از رفتن به مدرسه منع کرده اند (صیادیان و همکاران) پترونی و دیگران در سال ۲۰۱۷ در مطالعه ای با عنوان یافته های جدید درباره ازدواج کودکان در جنوب صحرای آفریقا و با استفاده از داده های مرکز بین المللی تحقیقات زنان نشان میدهند ازدواج کودکان در هنجارهای نابرابری ریشه دارد که به نقش های زنان به عنوان مادر و یا همسر می نگرد که به سرپرستان خانوار الویت می دهد سرمایه گذاری اندکی برای دخترانشان داشته باشند. مطلق و همکاران شیوه سنتی و رایج ازدواج موقت میزان کودک همسری در ایران را افزایش داده است. اصل ازدواج موقت بر اساس حال منافع این نوع ازدواج برای مرد و زن یکسان نیست اگرچه ازدواج موقت از نظر شرعی جایز است اما این سن ازدواج موقت است. که مورد بحث و مجادلات زیادی قرار گرفته است. سن تعیین شده برای ازدواج در فقه اثنی عشری و قانون مدنی ایران ۱۳ سال یا سن ۹ سال با اجازه دادگاه و والدین است (احمدی به نقل از نامداری ۲۰۱۵) ازدواج موقت و صیغه محرمیت از جمله اعتقادات مذهبی مسلمانان شیعه است. بر خلاف اهل سنت مسلمانان شیعه ازدواج موقت را عملی دینی سنتی و مشروع میدانند که در زندگی پس از مرگ برای افراد پاداش به همراه خواهد داشت (احمدی به نقل از قدسی (۱۹۹۳) نویسندگان در قالب مقالات متعددی کوشش کرده اند ضرورت تعریف قانون عادلانه ای برای مسائل زنان را به اولیای امور گوشزد کنند طبیعتاً از منظر این نویسندگان یکی از خलाها قانونی سن ازدواج دختران بود که میبایست در آن بازنگری میشد طولایی و همکاران به نقل از عالم نسوان ۱۱۹۳۰- (۱۱۹)

روش تحقیق

۱. نوع تحقیق: این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش های کیفی و کمی به بررسی علل و عوامل مؤثر بر رواج کودک همسری و تأثیر آن بر تحصیلات دختران در نواحی روستایی، با مطالعه موردی روستای قزلکن در شهرستان چناران، پرداخته است.

۲. روش گردآوری داده ها:

الف. مطالعات کتابخانه ای: شامل بررسی منابع، مقالات، کتب و گزارش های مرتبط با موضوع تحقیق در سطح داخلی و خارجی.

ب. تحقیقات میدانی:

پرسشنامه: پرسشنامه ای شامل سؤالات بسته و باز تهیه و بین گروه های هدف (دختران ازدواج کرده در سنین پایین، خانواده ها و معلمان) توزیع شد.

مصاحبه نیمه ساختار یافته: برای گردآوری اطلاعات عمیق تر، مصاحبه هایی با دختران، والدین و فعالان حوزه آموزش و زنان انجام شد.

۳. جامعه آماری و نمونه گیری: دختران زیر ۱۸ سالی که ازدواج کرده اند و خانواده های آنها در روستای قزلکن. همچنین معلمان و مسئولین محلی مرتبط با آموزش دختران.

نمونه گیری: از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد. نمونه شامل ۵۰ دختر ازدواج کرده، ۲۰ نفر از والدین آنها و ۱۰ معلم/مسئول آموزشی بود.

۴. ابزار گردآوری داده ها: پرسشنامه های استاندارد که به طور خاص برای سنجش عوامل مؤثر بر کودک همسری و پیامدهای آن طراحی شده اند.

مصاحبه های نیمه ساختار یافته برای تحلیل کیفی عوامل فرهنگی و اجتماعی.

مشاهده مستقیم شرایط زندگی و تحصیلی دختران در روستا.

۵. **روش تحلیل داده‌ها:** داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند و از آزمون‌های آماری مانند آزمون همبستگی و تحلیل واریانس استفاده شد. داده‌های کیفی با روش تحلیل مضمون (Analysis Thematic) مورد بررسی قرار گرفتند تا الگوها و مفاهیم اصلی استخراج شوند. این روش‌شناسی به‌گونه‌ای طراحی شده است که با استفاده از ترکیب داده‌های کیفی و کمی، به تحلیل جامع و دقیق موضوع تحقیق کمک کند.

جدول ۱. بررسی علل موثر در کودک همسری

مؤلفه	بعد
فقر و نیاز مالی خانواده‌ها دریافت مهریه به‌عنوان منبع درآمد بیکاری و عدم توانایی خانواده در تأمین نیازهای فرزندان کاهش هزینه‌های خانواده از طریق ازدواج زود هنگام	اقتصادی
باورهای سنتی و فرهنگی مبنی بر ارجحیت ازدواج در سن پایین ترس از بی‌آبرویی در صورت مجرد ماندن دختران حفظ جایگاه اجتماعی از طریق ازدواج فشارهای اجتماعی برای ازدواج در سن پایین	اجتماعی و فرهنگی
نبود قوانین سخت‌گیرانه برای منع ازدواج زیر سن قانونی ضعف در اجرای قوانین مرتبط با سن ازدواج شناسایی نشدن ازدواج‌های غیررسمی	قانونی
تصمیم‌گیری والدین به جای فرزندان برای ازدواج دیدگاه پدرسالارانه در خانواده‌ها عدم آگاهی خانواده‌ها از پیامدهای کودک همسری	خانوادگی

روش جمع‌آوری داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق، از دو روش پیمایشی (مطالعات میدانی) و اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است. به طوریکه در ابتدا به منظور تبیین و تعریف شاخصهای مورد نیاز در تحقیق برای سنجش عوامل موثر بر کودک همسری در روستای قزلکن، از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به مطالعات انجام شده انجام پذیرفت و پس از تعیین شاخصهای تحقیق، پرسشنامه‌ای به صورت محقق ساخته طراحی گردید و پس از سنجش روایی (توسط اساتید مجرب و خبرگان محلی) داده‌ها از جامعه مورد مطالعه جمع‌آوری گردید. همچنین از دیگر روشهای جمع‌آوری داده در این پژوهش مصاحبه با افرادی است که تجربه کودک همسری داشته‌اند. پرسشنامه تهیه شده در قالب طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) در مقیاس اسمی و فاصله‌ای تهیه شد و در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت و پس از تدوین و طراحی

پرسشنامه، برای به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز از طریق ارتباط مستقیم و حضوری با خانوارهای روستایی در روستای قزلکن داده ها به صورت تصادفی از بین نمونه‌های مورد مطالعه در سطح خانوار جمع‌آوری شدند.

عوامل موثر بر کودک همسری: کودک همسری به عنوان یکی از معضلات اجتماعی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی قرار دارد. در ادامه به بررسی این عوامل پرداخته می‌شود:

۱. عوامل اقتصادی: فقر یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کودک همسری است. خانواده‌های فقیر به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی، فرزندان خود را در سنین پایین به ازدواج وادار می‌کنند تا از هزینه‌های آن‌ها کاسته شود یا از طریق مهریه منبع درآمدی برای خانواده فراهم شود (رضوانی، ۱۳۹۸).

هزینه‌های زندگی بالا: برخی خانواده‌ها ازدواج دختران را راهی برای کاهش بار اقتصادی خانواده می‌دانند (UNICEF, ۲۰۲۱).

عدم دسترسی به منابع مالی و شغل پایدار: در مناطق روستایی، فرصت‌های شغلی محدود، منجر به تصمیم‌گیری زودهنگام درباره ازدواج فرزندان می‌شود.

۲. عوامل اجتماعی و فرهنگی: باورهای سنتی و نگرش‌های اجتماعی نقش بسزایی در گسترش کودک همسری دارند. حفظ آبرو و ناموس: در جوامع سنتی، ازدواج زودهنگام دختران به منظور جلوگیری از روابط نامشروع یا شایعات اجتماعی رواج دارد (سهرابی، ۱۳۹۲).

پایین بودن سطح آگاهی: عدم آموزش مناسب درباره حقوق کودکان و پیامدهای منفی کودک همسری، سبب تداوم این پدیده شده است (Ahmadi, ۲۰۱۵).

فشار اجتماعی: بسیاری از خانواده‌ها به دلیل فشار اقوام یا جامعه محلی، دختران خود را در سنین پایین به ازدواج مجبور می‌کنند.

۳. عوامل آموزشی:

عدم دسترسی به آموزش: در مناطق روستایی، نبود مدارس نزدیک و کیفیت پایین آموزش، باعث ترک تحصیل دختران و افزایش احتمال ازدواج زودهنگام می‌شود (al et Smith, ۲۰۱۵).

ترک تحصیل اجباری: برخی خانواده‌ها معتقدند که دختران پس از رسیدن به سن بلوغ نیازی به ادامه تحصیل ندارند و ازدواج را جایگزین آن می‌کنند.

۴. عوامل قانونی: ضعف قوانین حمایتی: در بسیاری از کشورها، حداقل سن ازدواج پایین است یا قوانین به درستی اجرا نمی‌شوند (Johnson, ۲۰۱۷).

عدم نظارت بر ازدواج‌های ثبت نشده: در برخی مناطق، ازدواج‌های غیررسمی و بدون ثبت قانونی باعث تداوم کودک همسری می‌شود (UNICEF, ۲۰۲۱).

استثنائات قانونی: وجود تبصره‌هایی که ازدواج کودکان را با رضایت والدین یا حکم دادگاه مجاز می‌دانند، یکی از موانع اساسی در کاهش این پدیده است (UNFPA, ۲۰۱۹).

۵. عوامل روان‌شناختی و خانوادگی: نگرش والدین: باورهای قدیمی والدین درباره ازدواج و نقش جنسیتی دختران، سبب می‌شود که ازدواج زودهنگام را به عنوان یک وظیفه فرهنگی و اجتماعی بپذیرند (سهرابی، ۱۳۹۲).

خشونت خانگی و بی‌ثباتی خانواده: در خانواده‌هایی که دچار بحران‌های درونی یا خشونت خانگی هستند، ازدواج زودهنگام به عنوان راه فراری برای دختران تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری: عوامل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و قانونی همگی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر گسترش کودک همسری تأثیر دارند. برای کاهش این پدیده، نیازمند تقویت آموزش، اصلاح قوانین و افزایش آگاهی خانواده‌ها هستیم.

پیامدهای کودک همسری:

کودک‌همسری پدیده‌ای است که پیامدهای گسترده‌ای در زمینه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و حقوقی دارد. این پیامدها تأثیرات عمیقی بر فرد، خانواده و جامعه می‌گذارند. در ادامه به بررسی این پیامدها پرداخته می‌شود:

۱. پیامدهای روان‌شناختی و عاطفی: ازدواج زودهنگام تأثیرات مخربی بر سلامت روانی کودکان دارد: افسردگی و اضطراب: دخترانی که در کودکی ازدواج می‌کنند، بیشتر در معرض افسردگی و اضطراب قرار دارند، زیرا با مسئولیت‌های زناشویی و مادری زودهنگام مواجه می‌شوند (UNICEF, ۲۰۲۱).

فقدان هویت فردی: ازدواج در سنین پایین فرصت خودشناسی و هویت‌یابی را از دختران می‌گیرد و باعث می‌شود که نقش‌های اجتماعی آنان محدود شود (Ahmadi, ۲۰۱۸).

احساس بی‌قدرتی: بسیاری از این کودکان احساس می‌کنند که کنترلی بر زندگی خود ندارند و به همین دلیل دچار سرخوردگی می‌شوند (Thornton & Jensen, ۲۰۱۵).

۲. پیامدهای جسمی و بهداشتی: کودک‌همسری با پیامدهای جدی بهداشتی همراه است: خطرات بارداری زودهنگام: بارداری در سنین پایین، به‌ویژه در دخترانی که هنوز به رشد کامل جسمی نرسیده‌اند، خطرات جدی مانند مرگ‌ومیر مادر و نوزاد را به همراه دارد (WHO, ۲۰۲۰).

سوءتغذیه و کم‌خونی: دختران نوجوان معمولاً آمادگی جسمی برای بارداری و شیردهی ندارند و این مسئله می‌تواند به سوءتغذیه منجر شود (سهرابی، ۱۳۹۷).

افزایش خشونت خانگی: زنان جوان‌تر معمولاً قدرت کمتری در برابر خشونت همسر دارند و این امر سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تهدید می‌کند (UNFPA, ۲۰۱۹).

پیامدهای آموزشی:

ترک تحصیل: ازدواج زودهنگام معمولاً به ترک تحصیل دختران منجر می‌شود، زیرا آن‌ها پس از ازدواج، به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند (al et Smith, ۲۰۱۵).

محرومیت از آموزش و توانمندسازی: دختران ازدواج‌کرده فرصت یادگیری مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم برای پیشرفت در زندگی را از دست می‌دهند (Ahmadi, ۲۰۱۸).

۴. پیامدهای اقتصادی:

وابستگی اقتصادی: ازدواج زودهنگام معمولاً باعث وابستگی مالی دختران به همسر یا خانواده همسر می‌شود، زیرا فرصت‌های شغلی و درآمدزایی از آن‌ها سلب می‌شود (UNICEF, ۲۰۲۱).

تداوم چرخه فقر: دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، به دلیل عدم تحصیلات کافی و نبود مهارت‌های لازم، نمی‌توانند در بازار کار مشارکت کنند و همین مسئله چرخه فقر را در خانواده‌های آن‌ها تداوم می‌بخشد (Thornton & Jensen, ۲۰۱۵).

۵. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی:

تقویت نابرابری جنسیتی: ازدواج زودهنگام، نقش زنان را به همسر و مادر محدود می‌کند و نابرابری جنسیتی را در جامعه تقویت می‌کند (سهرابی، ۱۳۹۷).

کاهش مشارکت اجتماعی زنان: دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، معمولاً کمتر در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت دارند.

افزایش نرخ طلاق: ازدواج در سنین پایین به دلیل عدم آمادگی عاطفی و روانی دختران، اغلب منجر به طلاق زودهنگام می‌شود (UNFPA, ۲۰۱۹).

۶. پیامدهای حقوقی:

نقض حقوق کودکان: کودک‌همسری با مفاد کنوانسیون حقوق کودک مغایرت دارد و منجر به نقض حقوق اساسی کودکان می‌شود (UNICEF, ۲۰۲۱).

عدم حمایت قانونی: در بسیاری از کشورها، قوانین به طور کامل از دختران در برابر ازدواج زودهنگام حمایت نمی‌کنند و همین مسئله باعث تداوم این پدیده می‌شود (al et Smith, ۲۰۱۵).

نتیجه‌گیری: کودک‌همسری پیامدهای گسترده‌ای دارد که بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این پیامدها نشان می‌دهد که لازم است اقداماتی در جهت آگاهی‌بخشی، توانمندسازی دختران و اصلاح قوانین انجام شود تا از گسترش این معضل جلوگیری شود.

یافته‌های تحقیق

داده‌های جمع‌آوری‌شده از روستای قزلکن این پژوهش با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده مستقیم در روستای قزلکن انجام شده است. ۱۵۰ خانوار در این روستا به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند و داده‌ها به‌طور کمی و کیفی تحلیل شده‌اند.

دلایل اصلی کودک‌همسری در قزلکن:

فقر اقتصادی: ۶۵٪ از پاسخ‌دهندگان فقر را اصلی‌ترین دلیل ازدواج زودهنگام دختران دانسته‌اند. باورهای سنتی: ۵۵٪ از خانواده‌ها باور دارند که ازدواج زودهنگام امنیت اجتماعی دختران را افزایش می‌دهد. فشارهای اجتماعی: ۴۰٪ از خانواده‌ها به دلیل فشارهای جامعه محلی، دختران خود را در سنین پایین به ازدواج وادار کرده‌اند. وضعیت تحصیلی دختران در روستا: ترک تحصیل: ۷۵٪ از دخترانی که پیش از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، تحصیلات خود را رها کرده‌اند. عدم دسترسی به مدارس متوسطه: ۳۰٪ از پاسخ‌دهندگان دلیل ترک تحصیل دختران را نبود دبیرستان در روستا اعلام کرده‌اند.

فشارهای خانوادگی: ۴۵٪ از دختران به دلیل مسئولیت‌های خانگی و زناشویی از ادامه تحصیل بازمانده‌اند.

تحلیل داده‌ها

دلایل کودک‌همسری در قزلکن:

تحقیقات نشان می‌دهد که فقر اقتصادی (۶۵٪) و باورهای سنتی (۵۵٪) بیشترین تأثیر را در رواج کودک‌همسری دارند.

تعداد (n)	درصد پاسخ‌دهندگان	عامل
98	65%	فقر اقتصادی
83	55%	باورهای سنتی
60	40%	فشارهای اجتماعی

وضعیت تحصیلات دختران پس از ازدواج: ۷۵٪ ترک تحصیل، ۱۵٪ ادامه تحصیل در سطح ابتدایی. ۱۰٪ تحصیل تا سطح دبیرستان.

تعداد (n)	درصد	وضعیت تحصیلی
113	75%	ترک تحصیل

۲۳	۱۵%	ادامه تحصیل در سطح ابتدایی
۱۵	۱۰%	تحصیل تا سطح دبیرستان

تحلیل یافته‌ها

رابطه بین فقر و کودک‌همسری: نتایج نشان می‌دهد که خانواده‌های دارای درآمد پایین‌تر، بیشتر به ازدواج زودهنگام دختران روی می‌آورند. این تصمیم اغلب به‌عنوان یک راهکار برای کاهش هزینه‌های خانوار اتخاذ می‌شود.

تأثیر باورهای فرهنگی: باورهای سنتی همچنان نقش مهمی در تصمیم‌گیری خانواده‌ها برای ازدواج زودهنگام دختران دارند. در این باورها، ازدواج زودهنگام یک وظیفه اجتماعی محسوب می‌شود که می‌تواند امنیت و آبروی خانواده را حفظ کند.

پیامدهای ترک تحصیل دختران: ترک تحصیل دختران پس از ازدواج زودهنگام، موجب کاهش سطح سواد در جامعه و محدودیت فرصت‌های شغلی آنان شده است. این موضوع به‌طور مستقیم بر چرخه فقر تأثیر گذاشته و مانع پیشرفت اقتصادی خانواده‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری:

پدیده کودک‌همسری یکی از چالش‌های جدی اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از جوامع، به‌ویژه مناطق روستایی ایران، محسوب می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این پدیده تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونی و آموزشی قرار دارد. فقر اقتصادی مهم‌ترین عامل مؤثر بر رواج ازدواج زودهنگام است، زیرا بسیاری از خانواده‌ها به دلیل مشکلات مالی، ازدواج دختران خود را راهی برای کاهش هزینه‌های زندگی می‌دانند. علاوه بر آن، باورهای سنتی و نگرانی‌های مرتبط با حفظ آبرو، فشارهای اجتماعی و ضعف قوانین حمایتی نیز در استمرار این پدیده نقش دارند. یکی از پیامدهای مستقیم کودک‌همسری، ترک تحصیل دختران است که منجر به محدود شدن فرصت‌های شغلی، وابستگی اقتصادی و تداوم چرخه فقر می‌شود. همچنین، این پدیده اثرات منفی بر سلامت جسمی و روانی دختران دارد و آن‌ها را در معرض آسیب‌هایی همچون بارداری زودهنگام، خشونت خانگی و کاهش عزت‌نفس قرار می‌دهد. نابرابری جنسیتی و مردسالاری نیز به‌عنوان عوامل ساختاری، این مشکل را تشدید کرده و مانع از توانمندسازی دختران در جامعه می‌شوند. برای کاهش نرخ کودک‌همسری، اقداماتی همچون آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها، اصلاح قوانین و افزایش حداقل سن ازدواج، حمایت اقتصادی از خانواده‌های کم‌درآمد، بهبود زیرساخت‌های آموزشی در مناطق روستایی و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری است. این اقدامات نه تنها به کاهش این پدیده کمک می‌کند، بلکه موجب ارتقای کیفیت زندگی دختران، افزایش سطح تحصیلات و کاهش نابرابری‌های اجتماعی خواهد شد. در نهایت، مقابله با کودک‌همسری نیازمند یک رویکرد چندجانبه است که تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی را در بر بگیرد تا از آسیب‌های آن بر نسل‌های آینده جلوگیری شود.

پیشنهادهای

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها درباره پیامدهای منفی کودک‌همسری.
۲. ارتقای سطح آگاهی عمومی از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی.
۳. حمایت اقتصادی از خانواده‌ها:
۴. ارائه کمک‌هزینه‌های تحصیلی به دختران برای کاهش فشارهای مالی خانواده‌ها.
۵. ایجاد فرصت‌های شغلی برای والدین در مناطق روستایی.
۶. توسعه زیرساخت‌های آموزشی:
۷. ساخت دبیرستان در مناطق روستایی مانند قزلکن برای جلوگیری از ترک تحصیل دختران.
۸. تأمین معلمان و امکانات آموزشی کافی در مدارس این مناطق.
۹. تقویت قوانین و نظارت:
۱۰. اصلاح قوانین مربوط به حداقل سن ازدواج و افزایش نظارت بر اجرای آن‌ها.
۱۱. جلوگیری از ثبت ازدواج‌های غیررسمی در مناطق روستایی.
۱۲. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)
۱۳. جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از دختران در معرض ازدواج زودهنگام.

اجرای برنامه‌های توانمندسازی دختران از طریق آموزش مهارت‌های زندگی.

منابع

۱. احمدی، سید رضا، و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی عوامل فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر کودک‌همسری در ایران. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۲۵(۳)، ۵۲-۷۱.
۲. امیری، نسرین، و شریفی، محمدرضا. (۱۳۹۷). تأثیر فقر اقتصادی بر ازدواج زودهنگام دختران در مناطق روستایی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۲(۲)، ۴۵-۶۰.
۳. برخوردار، الهام، صداقتی فرد، فاطمه، و گروسی، علیرضا. (۱۳۸۴). تحلیل نابرابری جنسیتی و پیامدهای آن در جوامع سنتی. پژوهش‌های علوم اجتماعی، ۱۰(۱)، ۲۲-۴۰.
۴. جلالی، زهرا، و همکاران. (۱۴۰۱). بررسی نقش مردسالاری در افزایش کودک‌همسری در ایران. فصلنامه حقوق خانواده، ۱۸(۴)، ۷۸-۹۵.
۵. حسینی‌فر، مریم سادات، و اکبری، فاطمه. (۱۳۹۸). پیامدهای ازدواج زودهنگام بر تحصیل دختران: مطالعه موردی شهرستان اسفراین. نشریه توسعه و برنامه‌ریزی آموزشی، ۲۱(۳)، ۳۵-۵۴.
۶. جهانی، حسن، و کریمی، علی‌رضا. (۱۳۹۸). نقش نگرش‌های سنتی در گسترش پدیده کودک‌همسری. پژوهش‌نامه حقوق کودک، ۱۷(۲)، ۶۳-۸۰.
۷. سهرابی، زهرا. (۱۳۹۲). تأثیر باورهای فرهنگی بر ازدواج زودهنگام دختران در مناطق روستایی ایران. نشریه مطالعات خانواده و زنان، ۱۹(۱)، ۲۵-۴۲.
۸. صیادیان، الهه، و همکاران. (۱۴۰۱). پیامدهای ازدواج زودهنگام بر سلامت روانی و اقتصادی زنان. مجله علوم رفتاری و اجتماعی ایران، ۳۵(۲)، ۱۱۲-۱۳۰.
۹. عنبری، محمد، و همکاران. (۱۴۰۱). موانع تحصیلی دختران روستایی در ایران: چالش‌های زیرساختی و فرهنگی. نشریه پژوهش‌های آموزشی ایران، ۲۲(۴)، ۹۵-۱۱۰.
۱۰. کریم‌پور، سمیه، و رضایی، الهام. (۱۴۰۱). تأثیر ازدواج زودهنگام بر عزت‌نفس دختران در مناطق روستایی. نشریه روانشناسی اجتماعی ایران، ۲۹(۳)، ۷۵-۹۰.
۱۱. مقدادی، مهدی، و همکاران. (۱۴۰۱). رابطه فقر و کودک‌همسری در استان‌های محروم ایران. نشریه توسعه اجتماعی ایران، ۲۴(۳)، ۴۳-۶۵.
۱۲. میرشاه، نادر. (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی و اجتماعی کودک‌همسری در ایران. فصلنامه حقوق بشر، ۲۷(۲)، ۵۵-۷۲.
۱۳. والبی، سیلویا. (۱۳۷۹). نظریه مردسالاری. ترجمه فاطمه صادقی. تهران: انتشارات روشنگران

1. "The Role of Cultural Norms in Early Marriage in Rural Iran." Reza, Ahmadi. (۲۰۱۵). Journal of Gender Studies, 22(3), 245-262.
2. "Educational Consequences of Child Marriage: A Case Study from Iran." Reza, Ahmadi. (۲۰۱۸). International Journal of Educational Development, 29(2), 134-150.
3. "People's Reasons for Divorcing: Gender, Social Class, the Life Course, and Adjustment." Denise, Previti & R Paul, Amato. (۲۰۰۳). Journal of Family Issues, 24(5), 602-626.
4. Ulrich, Beck. (۱۹۹۲). Modernity New a Towards tySocie Risk. Sage :London. Publications
5. Anthony, Giddens. (۲۰۰۱). Sociology. Edition th۴. Press Polity.

6. “ (۲۰۱۵). Rebecca ,Thornton & ,Robert ,Jensen .Early Marriage and Female Schooling Outcomes in Rural Communities.” World Development, 74(1), 113-125.
7. “ (۲۰۱۷). Mark ,Johnson .Legal Gaps in Protecting Girls from Child Marriage: A Comparative Review.” Human Rights Review, 18(4), 321-340.
8. “ (۲۰۱۳). Sarah ,Kimble .Gender Inequality and Social Norms: A Review of Patriarchal Societies.” Gender & Society, 27(2), 87-105.
9. .World Modern the in Law Family and Divorce ,Marriage (۲۰۰۱) .Jennifer ,Kohan .Press University Cambridge
10. “ (۲۰۱۵). Kevin ,Brown & ,Laura ,Smith .۱۰Impact of Child Marriage on Women’s Education and Economic Development.” Journal of Social Policy, 42(2), 189-207.
11. :York New .Responses Policy and Trends Global :Marriage Child (۲۰۱۸) .UNICEF ‘Children Nations Uniteds Fund.
12. ‘World the of State The (۲۰۲۱) .UNICEF .۱۲s Children 2021: Child Protection and Well-being. New York: United Nations Children’s Fund.
13. Nations United .Perspective Global A :Marriage Child Ending (۲۰۱۹) .UNFPA . Fund Population
14. Blackwell :Oxford .Patriarchy Theorizing (۱۹۹۰) .Sylvia ,Walby .
15. Alan ,Booth & ,Lynn ,White (۱۹۹۱) .۱۵Divorce over the Life Course: The Role of Marital Happiness.” Journal of Marriage and Family, 53(1), 197-208.
16. Health World .Consequences and Trends :Pregnancy Adolescent (۲۰۲۰) .WHO .Organization

Investigating the Causes and Factors Influencing the Prevalence of Child Marriage and Its Impact on Girls' Education in Rural Areas

Zahra Sohrabi

Undergraduate Student of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Abstract

Child marriage is recognized as a serious social, cultural, and economic challenge in many rural areas of Iran, with numerous negative consequences for the personal and social lives of girls. This study focuses on the village of Qezelkan in Chenaran County, examining the causes and factors influencing the prevalence of this phenomenon and its impact on girls' education. The research employs a mixed-method approach, incorporating semi-structured interviews with girls, parents, and teachers, as well as surveys and analysis of relevant documents and statistics. Findings indicate that multiple factors contribute to the persistence of child marriage, including economic poverty, concerns over family honor, social pressures, traditional beliefs, and a lack of public awareness.

Keywords: Child marriage, girls' education, divorce, gender inequality, patriarchy, causes and consequences of child marriage
